

پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی هویت ملی

و هویت قومی کردها)

عباس شفیعی نیا^۱

چکیده

گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در سال‌های اخیر، حیات بشری را در ابعاد مختلفی تحت تاثیر قرار داده است. یکی از حوزه‌های مهم زمینه فرهنگی و بحث هویت ملی و قومی است. از این منظر، گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و شکل‌گیری «جامعه شبکه‌ای» منجر به تحول و دگرگونی هویت خواهی چه در بعد ملی و چه در بعد قومی در اغلب جوامع معاصر شده است که بارزترین مثال آن رشد خاص گرایی‌های قومی در جوامع چندقومی و یا رشد هویت خواهی‌های فراملی است. این نوع از خاص‌گرایی قومی که گاهاً خود را در اشکال ناسیونالیسم قومی و یا ملی‌گرایی بازتولید می‌نماید، تحت تأثیر فن‌آوری‌های نوین جهانی شده در پی مطرح کردن هر چه بیشتر خود برای رسیدن به خواسته‌های سرکوب شده خود در دوران مدرنیته است. منازعات و کشمکش‌های قومی در کشورهای لیبرالی مثل فرانسه، کانادا و اسپانیا، و کشورهای کمونیستی مثل چین و برمه، مناقشات قومی در کشورهای سوسیالیستی سابق مثل یوگسلاوی و اتحاد جماهیر شوروی سابق، سابقه منازعات قومی در کشورهای اسلامی مثل پاکستان و یمن، نشان می‌دهد که درگیری‌های قومی یک مشکل اپیدمیک بوده که تمام قاره‌های گیتی از آمریکای شمالی تا اروپا و آسیا و اقیانوسیه را در بر گرفته است. از این منظر، هدف مطالعه حاضر تحلیل پیامدهای شبکه‌های مجازی و گونه‌شناسی هویت‌خواهی کردهای ساکن ایران است.

روش انجام مطالعه، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است. تحلیل موضوع فوق در جامعه کردستان ایران نشان از آن دارد که در سال‌های اخیر کردها از شبکه‌های مجازی به عنوان ابزاری برای رشد خاص‌گرایی هویتی بهره برده‌اند و از این منظر، رشد شبکه‌های مجازی در این مناطق به نظر به تضعیف هویت ملی و رشد هویت‌خواهی قومی منجر می‌شود.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران

واژگان کلیدی: فضای مجازی، هویت ملی، هویت قومی.

درآمد و طرح مساله

امروزه کمتر کسی در این گزاره شک می‌کند که جهان وارد عصر تازه‌ای شده است که نماد آن اهمیت یافتن اطلاعات است. بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که ترکیب و همگرایی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر ما را وارد عصر و جامعه تازه‌ای کرده است که دانیل بل آنرا جامعه فراصنعتی^۱، کاستلز جامعه شبکه‌های^۲ و تادائو اومه سائو آنرا جامعه اطلاعاتی^۳ نامیده است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲). گسترش فضای اطلاعاتی و تنیده شدن تاروپود جهان به وسیله اینترنت، عملاً جهان را به دهکده‌ای تبدیل نموده و تبادل اطلاعات را در لحظه فراهم ساخته است. در نور دیده شدن زمان و مکان در فضای مجازی همچون فیس‌بوک و... باعث شده است تا حجم وسیعی از اطلاعات و برنامه‌های برون مرزی زمینه تقویت خاص‌گرایی در هویت محلی و تضعیف هویت ملی را فراهم نماید. فناوری ارتباطات و وجه مشخص آن، یعنی اینترنت در زمان ما، تحولات بی‌سابقه را به دنبال داشته‌اند؛ تا آن جا که به وجه غالب جهان معاصر تبدیل شده است. گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات، که مانوئل کاستلز از آن به عنوان «جامعه شبکه‌ای» یاد می‌کند، منجر به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی شده است. ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای همچون اقتصاد اطلاعاتی، فرهنگ مجازی و کاهش اهمیت زمان و مکان در تعاملات اجتماعی ویژگی متمایزی به هزاره سوم بخشیده است که اصل بنیادین آن اهمیت محوری فرد در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی است. در چنین فضایی که با عنوان فضای سایبر توصیف می‌شود، مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر و مسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی شکل می‌گیرد. یک سیستم آن لاین نمونه‌ای از فضای سایبر است که کاربران آن می‌توانند از طریق ایمیل با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. برخلاف فضای واقعی، در فضای سایبر نیاز به جابجایی‌های فیزیکی نیست و کلیه‌ی اعمال تنها از طریق فشردن کلیدها یا حرکات «ماوس» صورت می‌گیرد.

فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی موجب می‌شود تا اجتماعات و هویت‌های جدیدی تشکیل شود. در جامعه‌ای که به ارتباطات مبتنی بر صنعت چاپ، تلویزیون و تلفن متکی است،

-
- 1-Post-industrial society
 - 2-Network Community
 - 3-Information Society

شیوه تولید به گونه‌ای است که هویت‌ها را به صورت عاقل، سودمند و خود بسنده در می‌آورد. اما در جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای که ارتباطات الکترونیک سیطره دارد؛ ذهنیت‌ها و هویت‌های ناپایدار، چند لایه و پراکنده ظهور می‌کند. مارک پاستر در «عصر دوم رسانه‌ها» تاکید می‌کند در دوره جدید که اینترنت و ارتباطات الکترونیک در جامعه سیطره دارد، این داده‌ها و اطلاعات و یا به عبارت دقیق کلمه، این اجتماعات مجازی هستند که هویت افراد را می‌سازند. وسایل نوین اطلاعاتی و ارتباطی در اثر تغییراتی که در برداشت‌های بشر امروزی به وجود می‌آورند، هویت‌ها را در وضعیت کاملاً تازه‌ای قرار می‌دهند که متفاوت و حتی مغایر با گذشته است. هویت در اجتماعات مجازی جامعه اطلاعاتی در مسیر فراملیتی شدن حرکت می‌کند. در واقع ارتباطی که با اتکا به وسایل ارتباطی و اطلاعاتی جدید شکل می‌گیرد، چشم اندازی از فهم و درک جدیدی از ذهنیت را آشکار می‌سازد که در صورت بندی‌های گفتار و عملکرد که به لحاظ تاریخی محسوس اند، جان می‌گیرد. این ارتباطات راهگشای نگرستن به انسان به عنوان پدیده‌ای چند لایه، تغییرپذیر، منفعل و تکه تکه است. پدیده‌ای که شکل دادن خویش را به گونه‌ای طراحی می‌کند که با هرگونه تثبیت هویت می‌ستیزد.

جامعه اطلاعاتی مبین هویت بی‌ثبات، تغییرپذیر و منعطف انسان جدید است. در این جامعه بسا انسان‌هایی که با همسایه‌ها، هم محلی‌ها و همشهری‌ها و حتی هموطنان خود احساس قرابت نداشته، اما با فرد دیگری در اقصی نقاط جهان احساس هویتی یکسان داشته باشند. بر این اساس، به نظر می‌رسد، هویت ملی در جامعه اطلاعاتی به دلیل ظهور اجتماعات مجازی به شدت تهدید می‌شود. در واقع در اجتماعات مجازی معمولاً افراد حداقل در یک چیز اشتراک دارند و آن علایق و منافع است که آن‌ها را دور هم جمع می‌کند. این منافع که همان دسترسی به اطلاعات است، هویت آن‌ها را می‌سازند. هویت افراد در اجتماعات مجازی «هویتی دیجیتال» است. دیگر سرزمین، زبان بومی و محلی، کشور، فرهنگ ملی و نژاد، هویت افراد را در اجتماعات مجازی تعیین نمی‌کنند، بلکه منافع مقطعی، محدود و در حوزه موضوعات مختلف افراد را دور هم جمع می‌کند و هویت آن‌ها را می‌سازد.

هر چند امروزه فناوری‌های نوین تا حدود زیادی جوامع را به سوی ادغام فرهنگی سوق می‌دهد اما همین فناوری اطلاعات در برخی جوامع به ویژه در دایره قلمرو و نفوذ اقوام و اقلیت‌های مذهبی، به انکشاف و بازتعریف فرهنگ و هویت در حال زوال آنان کمک شایانی نموده است. بر این اساس، ابزارهای نوین ارتباطاتی امکاناتی در اختیار اقلیت‌ها و اقوام

حاشیه ای در جوامع به ویژه جهان سوم قرار می دهد که از آن طریق درصدد بازآفرینی و بازساخت هویت قومی خویش و البته انکار هویت ملی برخوانند آمد.

کشور ایران جامعه ای چند فرهنگی و چند قومی است که گسترش روزافزون فن آوری های ارتباطی به ویژه تکنولوژی های حوزه فضای مجازی می تواند موجبات همگرایی یا واگرایی را فراهم نماید. چنین به نظر می رسد که ایران به رغم داشتن اقوام مختلف و یک واحد جغرافیایی مشترک، هنوز نتوانسته پس از گذر از خیزاب های مخرب تاریخی به چنین تکاملی دست یابد و هنوز هویت قومی ارجحیت نامحسوسی بر هویت ملی دارد (مظفری، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۹). با توجه به انقلاب ارتباطات و گسترش فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، جامعه و فرهنگ ایران نیز در حال تجربه کردن نوعی گذار است که دارای ویژگی های خاص خود بوده و پیامدهای متعددی نیز برای فرهنگ و هویت ایرانی ها به دنبال دارد، به گونه ای که جوانان در اثر ارتباط نزدیک با علایق و ظواهر جذاب رسانه ای، به مهاجرت به سوی غرب از یک طرف، و بی تفاوتی نسبتاً شدید به مسایل و علایق فرهنگی سنتی خود از طرف دیگر تمایل می یابند (سحابی و آقاییگ پوری، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در مورد هویت های قومی به ویژه هویت قومی کردهای ساکن در ایران، با توجه به حجم اطلاعات ارائه شده از مجراهای مجازی متفاوت تاکید بر هویت قومی در سالیان اخیر برجستگی خاصی پیدا کرده است.

از این منظر، رسانه های نوین ارتباطی در سطوح مختلف موجب رشد آگاهی های فرهنگی خرده گروه ها می شوند و آن ها را به جوامع مجازی در دل کشورهای متبوع خود تبدیل می نمایند و همین مسئله موجب فشار بر حاکمیت دولت ها می شود. این پژوهش بنا به اهمیت موضوع، به بررسی تاثیر فعالیت در شبکه های نوین ارتباطی بر هویت خواهی قومی کردی به عنوان تهدیدکننده همبستگی ملی در مناطق قومی می پردازد.

تعاریف مفاهیم نظری

فضای مجازی^۱

زمانی که صحبت از فضای مجازی به میان می آید مردم اغلب به کامپیوتر فکر می کنند و اینکه به اینترنت متصل است، در حالیکه این فقط بخش بسیار کوچکی از فضای مجازی را تشکیل می دهد. از نگاه دیوید بل فضای مجازی فقط مجموعه ای از سخت افزار نیست، بلکه

مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب داد و ستد بیت^۱ رد و بدل می‌کنند. فضای مجازی در واقع نامی است که تعداد زیادی از کاربردهای امروز فناوری‌های جدید ارتباطی را دربرمی‌گیرد. این نام نخستین بار به وسیله ویلیام گیسون در رمان نورومانس ابداع شد (هولمز، ۲۰۰۵). همانطور که کاترین هایلز نشان می‌دهد دیدگاه گیسون خود به خود به وجود نیامده بود و دگرگونی‌های مبتنی بر فناوری انجام شده در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۸۰ نقش زیادی در ظهور این اصطلاح داشت (نقل شده در ویتاگر، فلیشی).

دهقان (۱۳۸۴) معتقد است فضای مجازی یک شبکه گسترده جهانی است که شبکه‌های مختلف رایانه‌ای در اندازه‌های متعدد و حتی رایانه‌های شخصی را با استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر وصل می‌کند. فناوری‌های ارتباط راه دور اساس فضای مجازی را تشکیل می‌دهند. هر چند برخی از این فناوری‌ها مانند تلگراف و تلفن در اوایل قرن نوزدهم اختراع شده بودند اما همه‌گیر و ارزان شدن این فناوری‌ها و بالا رفتن توان فنی آن‌ها که شرط اصلی ظهور فضای مجازی است در چند سال اخیر اتفاق افتاده است. ویتاگر در توضیح این مسئله به رویداد تاجگذاری ملکه انگلستان اشاره می‌کند که حدود بیست میلیون نفر آن را از تلویزیون تماشا کردند. در حالی که تعداد تلویزیون‌ها در انگلستان تا قبل از چند ماه مانده به مراسم ۲۰۰۰۰۰۰ دستگاه برآورد می‌شد، در این چند ماه تقریباً همین تعداد تلویزیون در انگلستان خریداری شد. رواج فناوری‌های ارتباطی در سال‌های بعد رفته رفته به شکل گیری و ظهور فضای مجازی منجر شد. کلمه فضای مجازی (سایبر اسپیس) از درون کلمه سایبرنتیکس که در سال ۱۹۴۸ به وسیله نوربرت وینر ابداع شده بود پدید آمد. سایبرنتیکس علم نظریه کنترل است و در مورد سیستم‌های پیچیده به کار می‌رود. کلیه سیستم‌هایی که با روش‌های خودفرمایی اداره می‌شوند در واقع سیستم‌های سایبرنتیکی هستند.

۲- تعریف بیت: به کوچک‌ترین واحد حافظه غیرقابل آدرس‌دهی که می‌تواند ۰ یا ۱ را در خود ذخیره کند بیت گفته می‌شود. در حقیقت بیت یک واحد است که با خاموش یا روشن شدن یک کلید به وجود می‌آید. در نتیجه هرگاه کلید روشن بود بیت محتوی یک است و هرگاه خاموش بود محتوی صفر خواهد بود. و یا بالعکس که به ساختار کامپیوتر بستگی دارد.

هویت در فضای مجازی

آیا فضای مجازی در این قرن که قرن انفجار اطلاعات نامیده می شود، شرایطی را فراهم آورده است هویت های ملی و قومی در فضایی تعامل گونه همچون شبکه جهانی اینترنت، دچار چالش جدی شده و به مرور، این هویت ها در مقابل موج عظیم ادغام فرهنگ غرب، کم رنگ و بی فروغ گردند؟ در پاسخ به این سوال دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. از دیدگاه گروهی ارتباطات فزاینده و گسترش وسیع و ارزان فیبر نوری و رسوخ اینترنت در کنج خانه ها مردم، به مرور هویت های ملی و محلی تضعیف شده و گرایش به هویت جدیدی ظهور می کند که انگاره های یکدستی، محوریت آن را تشکیل می دهد (دوران، ۱۳۸۲: ۷۳).

دیدگاهی دیگر معتقد است که اگر گسترش اطلاعات و توسعه فضای سایبر، تا حدودی موجب افول مرزهای ملی می شود و مردمان جهان را به سوی فرهنگی مشترک سوق می دهد، همین فناوری موجب بازتعریف هویت های ملی و قومی شده است. کاستلز در این باره معتقد است، افول مرزهای ملی و طلوع جنبش های ملی گرایی و در نتیجه آن ظهور و تقویت هویت های ملی فرآیندی توأمان اند. بدین معنا که اگر گسترش فزاینده اطلاعات و رسوخ شبکه جهانی مجازی در تاروپود فرهنگ ها و ملل مختلف، موجب تضعیف هویت های ملی می شود، از سوی دیگر همان ملل و فرهنگ ها با استفاده از همین تکنولوژی به بازتعریف هویت ملی خود و تلاش در راستای تقویت و پاس داشت انگاره های فرهنگی و هویتی خود می پردازند (دوران، ۱۳۸۲: ۷۲).

درواقع این امر مبرهن است که در پرتو گسترش فناوری اطلاعات، به لحاظ فرهنگی تا حدود زیادی هویت های فردی و قومی و ملی متاثر از جهانی شدن است، اما این به این معنا نیست که افراد نسبت به هویت های اکتسابی خود، بی تفاوت باشند. بلکه با استفاده از فضای سایبر و ایجاد سایت ها و وبلاگ ها به انکشاف فرهنگی و بازخوانی هویتی خود می پردازند. تولد این فناوری موجب شده تا کاربران آن بدون ترس و واهمه از افشای هویت شان، در چت روم ها و ایمیل ها آزادانه با دیگران بحث و گفتگو نمایند.

یکی از مهم ترین ویژگی های اینترنت که در مقولاتی نظیر مسائل قومی نقش قابل توجهی ایفا می کنند، نظارت پذیری بسیار اندک آن است. به طوری که در مقایسه با سایر فناوری های رسانه ای، آزادی چشمگیری به آن بخشیده است. این ویژگی می تواند به تجلی صورت هایی از ارتباط موثر باشد که در فضای واقعی/غیرمجازی در مواردی به دلایل مختلف دشوار یا غیر

ممکن به شمار می‌روند و به همین علت گستره بسیار محدودتری را دربرمی‌گیرند (فکوهی - عیاری، ۱۳۸۴: ۲).

هویت ملی^۱

هویت به معنای چه بودن، چه کسی بودن شناساندن، حقیقت و ماهیت چیزی است و در پاسخ چه کسی بودن و چگونه بودن مطرح می‌شود. هویت ملی به مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی گروه گفته می‌شود که اعضای گروه را همانند ساخته و آن‌ها را از سایرین متمایز می‌سازد (امینیان، ۱۳۸۶: ۷۲). اسمیت معتقد است هویت ملی بازتولید و بازتفسیر دائمی ارزش‌ها، نهادها، خاطرات و اسطوره‌ها و سنت‌هایی است که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث و یا عناصر فرهنگی امکان‌پذیر است (صادق زاده و منادی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). هویت ملی شکل غالب در دولت ملی به حساب می‌آید که البته عمدتاً سیاسی است و به علت سیاسی بودن، خود نیاز به ایجاد الگوهای ذهنی و رفتاری مشخص در غالب ایدئولوژی حاکم دارد. این هویت عمدتاً دربرگیرنده ملتی است که در درون سرزمین جغرافیایی مشخص بوده و دارای زبان و یک ساختار حاکمیت سیاسی واحد می‌باشد. این گروه دارای سرنوشتی مشترک بوده و در جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارای مشترکات زیادی می‌باشد. این نوع هویت، عام‌ترین هویت در سطح ملی است و بیانگر «ما»ی جمعی عام یا اجتماع جامعه‌ای در سطح جامعه یا کشوری است که دربرگیرنده هویت‌ها و اجتماعات محلی است. بنابراین هویت ملی زمانی شکل می‌گیرد که ملت به معنای امروزی آن شکل گرفته باشد (اشرف، ۱۳۷۳: ۸).

از دیدگاه جامعه‌شناختی، هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و سازگاری ملی در جامعه تلقی می‌گردد. در طول تاریخ، هویت ملی و به تعبیر دیگر مجموعه زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، شعایر دینی، اسطوره‌ها و داستان‌های قومی در هر سرزمین قداست و ارزش خاصی داشته و خاستگاه بروز و نمایش دلاوری‌ها و پهلوانی‌ها در کشاکش رویدادهای سهمگین و خانمان سوز گشته است (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۰).

هویت قومی^۱

"قومیت به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند اطلاق می‌شود" (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۶۰). قومیت یا هویت خواهی قومی مبتنی بر دوگانگی ذهنی ما آن‌ها است، یعنی یک بعد آن این است که اعضای قوم (درون قوم) خود را چطور ببینند و بعد دیگر آن این است که دیگران (برون قوم) اعضای قوم را چطور ببینند. بدین جهت گروه‌های قومی همواره به وسیله‌ی دو مجموعه‌ی پویا احاطه می‌شوند. یک مجموعه نیروهای داخلی است که سبب تثبیت و دوام ما بودن می‌شوند و یک مجموعه نیروهای بیرونی است که سبب تشکیل و تعیین آن‌ها می‌شوند. در این معنا همه نیروها عناصری که سبب تثبیت و دوام "ما بودن" می‌شوند، جزء عناصر هویت قومی به حساب می‌آیند (رینگر به نقل از یوسفی، ۱۳۸۳: ۵۷).

پیشینه پژوهش

گل محمدی (۱۳۸۴)، در گزارش پژوهشی با عنوان درآمدی نظری بر جهانی شدن و هویت قومی، به دنبال ارائه یک چارچوب مفهومی مناسب برای بررسی و درک تأثیر فرآیند جهانی شدن بر قومیت می‌باشد. از نظر نویسنده، فرآیند جهانی شدن به دو صورت زمینه‌ساز و تقویت کننده قومیت یا هویت قومی می‌شود نخست، به صورت غیرمستقیم از طریق مختل کردن کارویژه‌های هویت سازی و هویت بانی دولت. و دوم، به صورت مستقیم از طریق فراهم کردن بستر، امکان و ابزار مناسب برای شکل‌گیری و تقویت هویت قومی. بسترها و امکان‌های مورد نظر را می‌توان در دو مقوله‌ی کلی جای داد: بستر و زمینه گفتمانی - فکری و بستر و زمینه ساختاری. منظور از بستر و زمینه گفتمانی - فکری این است که فرآیند جهانی با متحول کردن ساختارهای گفتمانی و فکری، زمینه و شرایط مناسبی را برای شکل‌گیری و تقویت هویت ملی فراهم می‌کند. منظور از بستر ساختاری، عبارت است از شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی جهانی بسیار کارآمد و فن‌آوری‌های جدید ارتباطی که نه تنها ارتباطات معمولی را ممکن ساخته، بلکه یک حوزه مجازی را نیز پدید آورده است که چندان سانسور پذیر و نظارت پذیر نیست و به آسانی ممکن است به عرصه‌ای برای نقد و افشای عملکرد گفتمان‌های هویت ساز مسلط و بازسازی هویت ملی رسمی مبدل شود (گل محمدی به نقل از قادرزاده، ۱۳۸۸).

کتاب جوان، هویت و رسانه دیجیتال، شامل مجموعه مقالاتی است که در ۲۰۶ صفحه توسط «دیوید باکینگهام» گردآوری شده است. این کتاب در سال ۲۰۰۸م، توسط انتشارات «مؤسسه تکنولوژی ماساچوست» به چاپ رسیده است، کتاب حائز اهمیتی در بحث پیشینه‌ی تحقیق می‌باشد. دیوید باکینگهام استاد آموزش دانشگاه لندن و مؤسس و مدیر «مرکز مطالعه کودکان، جوانان و رسانه» می‌باشد. چکیده و جوهره‌ی اصلی اثر این است که پرورش جوانان در دنیایی مملو از رسانه‌های دیجیتالی، بر تصور آن‌ها از خودشان و دیگران چه تأثیری می‌گذارد؟ در چنین شرایطی که آن‌ها هویت خودشان را از طریق فناوری‌های نوین تعریف و بازتعریف می‌کنند، این موضوع چه تأثیری بر تجربیات آنها به عنوان یک دانش‌آموز یا دانشجو، شهروند، خریدار و یا یک عضو خانواده و جامعه دارد؟ نویسندگان مقالات به این موضوع می‌پردازند که چگونه جوانان از رسانه‌های دیجیتال برای ارائه نظرات، ایده‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده می‌کنند و در شبکه‌هایی کوچک و بزرگ، محلی و جهانی، حقیقی یا مجازی مشارکت می‌کنند. این نویسندگان به تحقیق در زمینه ظهور گونه‌ها و شکل‌های جدید فناوری‌های نوین از جمله پیام‌های کوتاه، فوری و هم‌زمان در صفحه‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی و موضوعاتی که جوانان در مورد آن‌ها به صورت آنلاین بحث و گفتگو می‌کنند، می‌پردازند. از نظر نویسندگان مقالات این نسل، نسلی دیجیتالی با فضاهایی برای ارتباطات گسترده است و این فضاها اشکال جدیدی از برخوردها و ارتباطات را به وجود آورده‌اند.

ابوتراب طالبی و یاور عیوضی در مقاله‌ای تحت عنوان هویت طلبی قومی در فضای مجازی با روش تحلیل محتوا به بررسی کم و کیف مسئله هویت طلبی قومی در فضای مجازی پرداخته‌اند. در این مقاله مفهوم «هویت طلبی قومی» بر روی طیفی که پایین‌ترین سطح آن «قوم‌گرایی» و بالاترین سطح آن «پاکسازی قومی» می‌باشد، بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین مطالب قومی موجود در فضای مجازی مربوط به «قوم‌مداری» می‌باشد. این مطالب در جهت باورسازی افکاری از قبیل ضدیت ترک و فارس، استعمار ترکان توسط حکومت فارسی، تحریف تاریخ و جغرافیایی آذربایجان نوشته شده است. یک درجه شدیدتر از درجه‌ی «قوم‌مداری»، درجه‌ی «ناسیونالیسم تجزیه طلبانه» می‌باشد که با محوریت لزوم جدایی از سرزمین ایران و مستقل بودن مناطق ترک‌نشین ایران مطالبی درج شده است.

محمود مبارکشاهی در مقاله‌ای به بررسی هویت طلبی کردها در فضای مجازی پرداخته است. وی یادآور شده است که فناوری‌های اطلاعاتی جدید موجب بازتعریف و انکشاف فرهنگی و هویتی ملل و اقوام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فضای مجازی از لحاظ هویتی، دارای کارکردی دوگانه می‌باشد. از یک سو با گسترش انگاره‌های جهانی تمامی ملل و اقوام را به سوی ادغام سوق می‌دهد و از سوی دیگر همین فضا، بدون هیچ‌گونه محدودیتی، امکان انکشاف هویتی را در میان اقوام و گروه‌هایی که در حال محو و نابودی فرهنگی هستند فراهم می‌سازد. بنابر این فرض در فضای مجازی، برخلاف فضای واقعی که بخشی از افراد جامعه به دلیل موقعیت‌های اجتماعی خاص، به نوعی اعتماد به نفس لازم را در ابراز عقاید خود از دست می‌دهند، به راحتی و با هویت جدیدی در فضای مجازی ظاهر می‌شوند، و بدون نگرانی از افشای هویت واقعی، اهداف خود را دنبال می‌کنند. فرض اصلی این پژوهش به اثبات می‌رسد که اقلیت‌های فضایی، هویت خود را به دلیل سیطره فرهنگ غالب و اکثریت بالادست در خطر نابودی و اضمحلال می‌بینند و امکان تقویت انگاره‌های فرهنگی و هویتی خود را در فضای واقعی نمی‌یابند، فضای مجازی بهترین مکان در راستای تقویت هویت قومی و اظهار مطالباتشان می‌باشد. نمونه بارز چنین پدیده‌ای، کردها می‌باشند که با توجه به موانع متعدد در عرصه بازخوانی و هویت طلبی خود در فضای واقعی، با بهره‌گیری هوشمندانه از فضای سایبر، به صورت جدی پیگیر هویت خواهی قومی خود را به منصف ظهور رسانده‌اند.

سیاوش قلی‌پور (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به مطالعه رابطه بین جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک بر مبنای پارادایم مطالعات فرهنگی و به ویژه نظریات استوارت هال پرداخته است. او نتیجه می‌گیرد که قوم لک از حاشیه بودن خود، آگاه هستند به همین دلیل با مصرف محصولات فرهنگی دست به مقاومت می‌زنند.

مجنون آموسی (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به مطالعه تاثیر جهانی شدن بر احساس تعلق هویت قومی و ملی در میان جوانان کرد شهر پیرانشهر پرداخته است. بر این اساس معتقد است شرایط جهانی شدن و رواج گسترده رسانه‌های قومی مانند شبکه‌های ماهواره‌ای موجب تقویت عناصر هویتی قوم کرد شامل زبان، لباس، وفاداری سرزمینی و ملی-گرایی قومی شده است، به طوری که کردها به لحاظ هویت فرهنگی، خود را با سایر اقوام ایرانی مشترک می‌دانند؛ هر چند میان هویت ایرانی و حوزه سیاسی فاصله‌گذاری مشخصی انجام می‌دهند.

تحقیق دیگری تحت عنوان تاثیر جهانی شدن بر هویت ملی توسط حافظ نیا و همکاران در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی صورت گرفته است نتایج حاکی از آن است که گسترش فرآیندهای جهانی شدن در قالب فناوری‌های نوین (فیس‌بوک و سایر شبکه‌های مجازی) زمینه‌ساز تقویت فروملی دانشجویان را فراهم آورده است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۵).

مقاله‌ای تحت عنوان عوامل موثر بر هویت جمعی غالب در نزد دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های شهر سنندج توسط مرحوم عبدالهی و برزو مروت به انجام رسیده است. پرسش اصلی این است که دانشجو در درجه اول با کدام یک از هویت‌های جمعی (قومی، ملی، جهانی) خود را به دیگران معرفی کرده و در برابر آن احساس تعهد و تعلق می‌کند؟ رابطه هویت جمعی غالب در نزد دانشجویان با گسترده شبکه روابط، گروه مرجع، پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان آگاهی، پنداشت از خود و جنسیت دانشجویان سنجیده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل و داده‌ها بیانگر آن است که هویت جمعی غالب در نزد دانشجویان هویت قومی بوده و هویت‌های جهان وطنی و ملی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

آذرنوش عیاری در پایان‌نامه خود با عنوان فعال‌ترین گروه‌های قومی در اینترنت به بررسی گروه‌های قومی در ایران می‌پردازد. ایشان در بررسی خود آذری‌ها و کردها را به‌عنوان فعال‌ترین گروه‌های قومی در عرصه شبکه‌های مجازی معرفی می‌کند. آذری‌ها بخش مهمی از حضور خود را در اینترنت در قالب طرح مسائل سیاسی-اجتماعی مختلف به ویژه مسائل مربوط به هویت، آرمان‌ها و مطالبات قومی متجلی می‌سازند. در مورد آذری‌ها یکی از زمینه‌های مناقشه درون قومی به واسطه اختلاف نظر پیرامون منشا این گروه قومی تجلی می‌یابد که در مواردی در قالب برخی جهت‌گیری‌های مشخص فراملی مشاهده و ثبت گردیده است (عیاری، ۱۳۸۴).

اینترنت و هویت در پنج هویت قومی و ایرانی (۱۳۸۹)، به‌وسیله فکوهی و عیاری در پنج گروه آذری، بلوچ، ترکمن، عرب، کردها و میزان و چگونگی حضور و عملکرد اینترنت در میان این گروه‌های قومی و تاثیر آن بر هویت قومی آن‌ها انجام شده است. یافته حاکی از آن است که در گستره جهانی شدن، مرزهای هویت قومی نه تنها از میان نرفته بلکه امکان تجلی بسیار بیش‌تر شده، زیرا اینترنت عرصه‌ای که انواع هویت‌های خرد را از سکوت و انزوا بیرون کشیده و به آن‌ها مجال هر چه بیش‌تر شناخته شدن و شناختن را می‌دهد (فکوهی، ناصر، ۱۳۸۹).

علی ساعی، سعید معیدفر، محمدعلی خلیلی اردکانی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت قومی و ملی مطالعه‌ی کردهای سنندج به دنبال پاسخ به این سوال بودند که آیا نسبتی میان روند جهانی شدن با هویت ملی و هویت قومی در میان کردهای ایران وجود دارد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال از نظریه رولاند رابرتسون استفاده شده است. رابرتسون جهانی شدن را فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی در جهان به عنوان یک کل تعریف می‌کند (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۵). او با توجه به رویکرد فرهنگی‌اش به جهانی شدن، هم بر تکثر و هم بر نسبیّت، هم بر تعامل (نه تقابل) و هم عام‌گرایی و خاص‌گرایی فرهنگ‌ها و هویت‌ها تأکید دارد (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۶۲). رابرتسون تأثیر جهانی شدن را بر فرهنگ محلی و فرهنگ جهانی بررسی می‌کند و مدعی است دولت‌ها در عصر جهانی شدن قادر به کنترل افکار و ایده‌هایی نیستند که از طریق رسانه‌های جدید وارد کشور می‌شود و این خود باعث رشد افکار محلی‌گرایی می‌شود (نش، ۱۳۸۰: ۱۱۱). در این پژوهش فرضیه اصلی ارتباط میان مصرف رسانه‌های جمعی جهانی شده (فضای مجازی) و نوع هویت قومی است که یافته‌های تحقیق دلالت بر آن دارد که افزایش مصرف رسانه‌های جهانی شده به تضعیف هویت ملی و هویت دولت ساز منجر شده است.

مبانی نظری

ارتباطات (ITC) و قوم‌گرایی

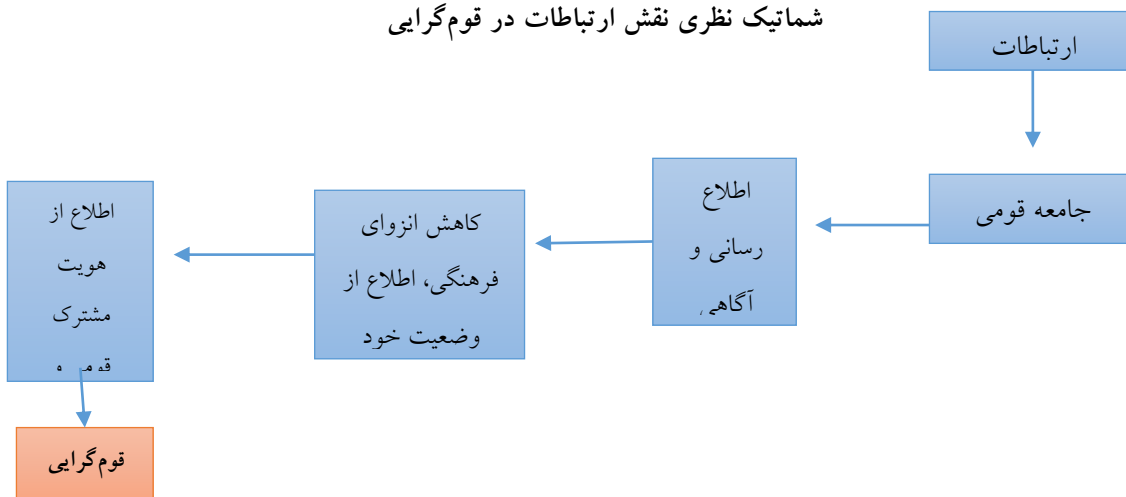
بعضی از محققان ارتباطات را عاملی برای همگرایی ملی و بعضی دیگر آن را در راستای واگرایی ارزیابی می‌کنند. هر چند طبیعی به نظر می‌رسد که اطلاعاتی که مردم دریافت می‌کنند لزوماً صحیح نبوده و افراد لزوماً آن را نمی‌پذیرند. رسانه‌های همگانی به‌ویژه برای پخش اطلاعات سیاسی مهم هستند و در بیشتر جوامع مهمترین منبع این‌گونه اطلاعات هستند و تلویزیون از همه آن‌ها مهم‌تر است (راش، ۱۳۷۷: ۱۸۰). اما در هر حال آگاهی از طریق ارتباطات پخش می‌شود. این منبع ارتباطی ممکن است ناشی از گروه خودی و یا گروه غیرخودی باشد. یکی از نظریه‌های که نقش ارتباطات را با ناسیونالیسم موثر می‌داند از آن کارل دویچ است. "او ملت را به عنوان جامعه‌ای به هم پیوسته که دارای ارتباطات اجتماعی است تعریف می‌کند و معتقد است، همان‌گونه که ارتباطات از طرق مختلف نظیر آگاهی دادن، نفوذ در دیدگاه‌ها و تغییر ایستارها و طرز تلقی‌ها، موجب بروز ملی‌گرایی و کاهش مناقشات قومی و نژادی و

فرهنگی شد، ادامه این روند موجب همبستگی و پیوند نزدیک تر در سطح جهان خواهد شد" (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۲).

مقصودی از طرف مک کورمک نقل قول می کند که رسانه های همگانی این احساس را در افراد به وجود می آورند که عضوی از جامعه کل و پدیده بزرگتری هستند و بدین گونه به افراد هویت می بخشد و در آن ها احساسی از یگانگی به وجود می آورند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

از نظر واکرکانر هم ارتباطات درون قومی و میان قومی، هر دو نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفا می کنند. این امر زمانی مهم تر خواهد بود که دولت مرکزی در صدد بسط نفوذ فرهنگی خویش در مناطق قومی درآید (سید امامی، ۱۳۷۶: ۲۵۳-۲۵۴). مقصودی در تحقیق تفصیلی خود نظر حمید مولانا و الیزابت روینسون را در مورد نقش رسانه در قوم گرایی یادآور می شود. او معتقد است پیشرفت در ابزارهای ارتباطی و حمل و نقل، انزوا طلبی فرهنگی را کاهش می دهد. پیشرفت تکنولوژی با افزایش آگاهی اقلیت ها در قبال تمایزات خود با سایر گروه ها، آگاهی فرهنگی آنان را افزایش داده است. فرد نسبت به گروه های قومی وابسته به خود و هم چنین نسبت به کسانی که با او هویت مشترکی دارند، آگاهی بیش تری می یابد. ارتباطات نه تنها در تحرک اجتماعی و فرآیند شکل گیری ملت بلکه در تقویت آگاهی قومی نیز نقش پر نفوذی ایفا می کند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

شماتیک نظری نقش ارتباطات در قوم گرایی



البته این نظر در صورتی درست است که منبع اطلاع و اخبار فقط در اختیار دولت حاکم بر قومیت باشد. اما با دسترسی اقوام به اینترنت و شبکه های مجازی نوین جریان اول ممکن است

خشی شود و رسانه‌های قومی که خارج از کنترل دولت هستند، خود قوم‌گرایی را تشویق کنند. یکی از کسانی که در این رابطه تحقیق کرده امیر حسن پور می‌باشد. حسن پور با تئوری حاکمیت در آسمان^۱ به تشریح نقش تکنولوژی ارتباط بر احیاء هویت قومی پرداخته است. رومانو^۲ در مقاله "تکنولوژی ارتباطی مدرن در دست ناسیونالیست‌ها؛ مطالعه موردی کردها" بر نقش ماهواره در احیاء قومی تأکید می‌کند. "فعالیت بر پایه هویت قومی باعث بسیج و سیاسی شدن قومیت به منظور دفاع از گروه می‌شود" (رومانو^۳، ۲۰۰۰: ۱۲۷).

جهانی سازی^۴ و هویت خواهی قومی^۵

در ارتباط با پدیده جهانی شدن، رشد و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطی بر هویت خواهی قومی رویکردهای نظری متفاوتی از سوی اندیشمندان ارائه شده که در کل می‌توان در سه رویکرد اساسی و متضاد را دسته بندی کرد:

الف: رویکرد اول کاهش منازعات قومی در چشم انداز توسعه فرهنگی - ارتباطی

این رویکرد نوید بخش کاهش منازعات قومی و محلی و فرآیند جهانی شدن است و در واقع اشاره دارد که با یکسان سازی فرهنگی در سطح جهان، هویت‌های محلی رو به کاهش خواهند گذاشت، به عبارتی جهانی شدن و محصولات آن موجب کاهش یا تضعیف هویت خواهی قومی می‌گردد. افرادی هم چون تونیس، اریک هابزباوم، کارل دویچ، فرانسیس فوکویاما، مک کورمک، ریچارد رایش و... از جمله اندیشمندان این رویکرد محسوب می‌شوند که با مثبت خواندن نقش توسعه ارتباطات در فرآیند جهانی شدن، کاهش مناقشات محلی و قومی را نوید داده و جهانی شدن را به گونه‌ای در برابر محلی شدن قرار می‌دهند. به عبارتی اندیشمندان این رویکرد معتقدند فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی زمینه استقرار و تقویت هویت ملی را فراهم می‌سازد و منازعات قومی و فروملی را کاهش می‌دهد (دهشیار، ۱۳۷۹: ۹۲؛ مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۸۲؛ سجادپور، ۱۳۸۱: ۱۰).

1-Governess in sky

2-Romano

3-Romano

۴-Globalization

۵-ethnic identity

ب: رویکرد دوم تنش‌های قومی در فرآیند توسعه سطح مراودات و مبادلات فرهنگی -

ارتباطی

اندیشمندان این رویکرد بر روند رو به تزاید بحران‌های قومی و هویت‌خواهی‌های فرهنگی خبر می‌دهد، توسعه و افزایش سطح مراودات و مبادلات را زمینه‌ساز بسط و گسترش آگاهی‌های قومی و فرهنگی و در نهایت خیزش قومی ارزیابی می‌کنند. این امر تاکید دارند که با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی زمینه تقویت هویت‌های فروملی و تضعیف هویت‌های ملی فراهم می‌گردد. هربرت بلومر، مایکل بروان مانوئل کاستلز، رابرتسون، گیدنز، هال و حمید مولانا معتقدند فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با تضعیف دولت ملت و شکاف در هویت ملی بستر ساز بحران‌های فروملی و قومی هستند (مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۸۴). به نظر هال، هویت‌های محلی که تا دیروز امکان وجود نداشتند، امروز با سرعتی شگفت‌آور خود را مطرح می‌کنند. بدین ترتیب، این قسم هویت‌ها تاریخ پنهان خودشان را باز می‌نمایند. از این منظر، قومیت جایگاه لازمی است که امکان سخن گفتن را برای مردن فراهم می‌آورد (هال، ۱۳۸۳: ۲۵۷).

کاستلز، معتقد است حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود و ساخته تاریخ می‌باشد، با ظهور تکنولوژی جدید دست خوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد و به دنبال آن ساختار مناسبات و ارتباطات انسانی نیز شکل جدیدی به خود می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۲: ۳۸۳). به اعتقاد او با این که هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرآیند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند. از نقطه نظر کاستلز یکی از مهم‌ترین عواملی که در عصر حاضر بر هویت (فردی، جمعی، ملی) اثرگذار است تحولات ناشی از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی می‌باشد. او معتقد است که فرآیند شکل‌گیری و انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباط کامپیوتری وابسته به آن در ربع قرن گذشته ساختار رسانه‌ای جدیدی را در معماری شبکه، فرهنگ کاربران شبکه و الگوهای واقعی ارتباطات برای همیشه شکل داده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۳).

او بر نقش جایگاه اینترنت به عنوان زیر ساخت اساسی جامعه‌ای اطلاعاتی تاکید می‌کند که ضمن به کارگیری و اعمال قدرت در عصر جهانی شدن، پویایی‌ها و پیچیدگی‌های آن را افزایش می‌دهد و منجر به پیدایش جامعه‌ای شبکه‌ای می‌گردد. به نظر کاستلز فرآیند جهانی شدن و به تبع آن جامعه شبکه‌ای از دو جهت منجر به تضعیف دولت-ملت و هویت ملی مرتبط با آن

می‌شود. هر چند در این فرآیند دولت‌های ملی سلطه انحصاری خود بر ابزارهای اجبار و همچنین تا حدودی نفوذ خود را حفظ خواهند نمود. اما از طرف دیگر با جهانی شدن اقتصاد و سرمایه، دولت‌ها کنترل خود را بر اقتصاد ملی تا حد زیادی از دست می‌دهند. با گسترش و پیشرفت رسانه‌های جمعی و ارتباطی، فرهنگ از حیثه دست‌کاری و نفوذ دولت‌ها خارج می‌شود و با شکل‌گیری اجتناب‌ناپذیر شبکه‌ها و سازمان‌های جهانی و اتحادیه‌های منطقه‌ای بسیاری از حیثه‌ها استقرار دولت و زمینه‌ها سیاست‌گذاری داخلی و خارجی از میان می‌رود. از طرف دیگر با برجسته شدن بسیاری هویت‌های خاص گرایانه در داخل کشور، همانند هویت‌های قومی و مذهبی، سلطه دولت و نقش آن در تعریف هویت ملی به چالش کشیده می‌شود. هویت‌های مقاومت و هویت‌های برنامه‌دار سیطره دولت را که از طریق به‌کارگیری سنت و بر ساختن هویت ملی میسر می‌شد به چالش می‌کشند. تلاش دولت برای احیای مشروعیت قدرت خویش از طریق نامتمرکز ساختن قدرت اجرایی و پراکنده ساختن آن در سطوح محلی و منطقه‌ای باعث تقویت گرایش‌های گریز از مرکز می‌شود. کاستلز گسترش بنیادگرایی دینی، ناسیونالیسم، هویت قومی و هویت سرزمینی را به مثابه مهم‌ترین واکنش‌های خاص گرایانه به فرآیند جهانی شدن می‌داند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۵۷-۲۹۷).

بنابراین از نظر کاستلز سلطه فناوری‌های نوین از یک سو زمینه یکسان‌سازی و یکپارچگی فرهنگی را فراهم ساخته و از سوی دیگر با آگاهی بخشی و تقویت خودآگاهی نسبت به هویت‌های فروملی، زمینه تقویت گرایش‌های گریز از مرکز را فراهم ساخته و هویت‌های ملی را چالش‌های جدی مواجه ساخته و بستر ساز بحران‌های فروملی و قومی خواهند شد (دهشیری، ۱۳۷۹: ۲۱).

گیدنز اعتقاد دارد هویت چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی به فرد تفویض شده باشد بلکه چیزی است که فرد آن را به طور تداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۸۱). از نظر او نفوذ و تاثیر رویدادهای دوردست بر رخدادهای نزدیک‌تر، همچنین خصوصی‌ترین‌های گوشه‌های خود ما بیش از پیش به صورت پدیده‌ای رایج و متعارف درمی‌آید. رسانه‌های ارتباطات جمعی نقش موثری در این زمینه دارند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰). اطلاعات و افکاری که رسانه‌ها در جامعه منتشر می‌کنند فقط بازتابی از جهان اجتماعی نیست بلکه یکی از عوامل و نیروهای موثر در شکل‌گیری جهان اجتماعی است. این رسانه‌ها در بازاندیشی مدرن نقش محوری دارند و

گزینه‌های انتخاب ما را مشخص می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۸). از جمله این رسانه‌ها اینترنت است. گیدنز اینترنت را قلب تپنده انقلاب ارتباطی می‌داند و بر این باور است که دسترسی به اینترنت و شمار کاربران اینترنت در سراسر جهان سر به آسمان سائیده و این پدیده در حال دگرگون ساختن سیمای زندگی روزانه و سهولت یافتن جریان اطلاعات درباره مردم و رویدادها تا اماکن دوردست است چرا که این امکان را به افراد می‌دهد تا با افراد از گوشه و کنار جهان تماس برقرار کنند این تماس یک نوع کنش الکترونیکی است که این کنش متقابل الکترونیکی غالباً آزادی بخش و توانبخش معرفی می‌شود چون مردم می‌توانند هویت‌های اینترنتی دلخواه خود را برای خویش خلق کنند و آزادتر از جاهای دیگر سخن بگویند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۴۹).

ج: رویکرد سوم نظریه پردازی‌های متفاوت فرهنگی-ارتباطی در قبال کشمکش‌های قومی
اندیشمندان این رویکرد با نگاهی واقع بینانه‌تر و ترکیبی به تاثیر تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطاتی بر هویت ملی، بر جنبه‌های تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده تاکید دارند. دیوید جی. الکنس، مک‌گرو از اندیشمندانی هستند که بر فرصت‌ها و تهدیدات تکنولوژی‌های اطلاعاتی و شیوه تاثیرگذاری این فناوری‌ها بر هویت ملی را تشریح می‌کنند (مقصودی، ۱۳۸۱: ۹۱؛ دهشیری، ۱۳۷۹: ۹۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گُردها پس از عرب‌ها، فارس‌ها و تُرک‌ها بزرگترین بلوک قومی را در خاورمیانه تشکیل داده‌اند (اولسون^۱، ۲۰۰۳: ۶). با وجود قدمت مسئله‌دار شدن نشانگرهای فرهنگی و هویتی در نزد گُردها و نمود و ظهور آن به شیوه‌های گوناگون، رویدادها و تحولات معاصر نظیر، تشدید و تعمیق فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، در هم‌تنیدگی جهانی، گسترش ارزش‌های جهان شمول، امکان بی‌پایان هویت‌سازی و تنوع‌هویی (رابرتسون^۲، ۱۳۸۰: ۵۲؛ آلبرو^۳، ۱۹۹۶: ۱۶۴-۱۶۷؛ نش^۴، ۱۳۸۰: ۲۹۰-۲۹۳؛ فیزرستون^۵، ۱۹۹۰: ۶)، به گسترش فرآیندهای ایستگاه‌ها و شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای گُردی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی قومی با درون‌مایه‌ها

-
- 1-Olson
 - 2-Robertson
 - 3-AL brow
 - 4-Nash
 - 5-Featherstone

ملیت‌گرایانه (گیبرنو^۱، ۲۰۰۱: ۲۵۹)، بین‌المللی شدن مسئله‌گرد (وان بروینسن^۲، ۱۹۹۹: ۳)، و تشدید روابط و مناسبات بین فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کردها منجر شده است (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۰۹). رویدادها و تحولات مذکور، تغییرات شگرفی در عرصه مناسبات اجتماعی کردها در سطوح درون جامعه‌ای و فراجمعه‌ای به دنبال داشته و به تبع آن نیز ابعاد و سطوح تعلقات جمعی کردها را دستخوش دگرگونی ساخته است (قادرزاده، ۱۳۸۸). براساس نگاه موجود در مناطق قومی، کردها از جمله اقوامی می‌باشند که در سه کشور ترکیه، ایران، سوریه حضور دارند و در تلاش می‌باشند تا با فعالیت در فضای مجازی، امکان حفظ و ترویج انگاره‌های هویتی و فرهنگی خود را حفظ نمایند. با مطرح شدن شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توئیتر، کردستان از جمله مناطقی است که افراد مختلف از جمله جوانان در سطحی وسیع با کار گذاشتن تصاویر و متون مختلف به زبان کردی و کارکردهای مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به دنبال بازتعریف و انکشاف فرهنگی و هویتی خود می‌باشند (مبارکشاهی، ۱۳۹۲: ۵). علاوه بر سایت‌های متعدد که به زبان کردی فعالیت دارند، وبلاگ نویسان زیادی در عرصه ترویج و بازخوانی هویت کردی در فضای سایبر مشغول فعالیتند. علاوه بر این کاربران کرد در چت روم‌ها نیز با تشکیل گروه‌های هم‌فکر در رابطه با مسائل مختلف و محوریت هویت و فرهنگ کردی به تبادل فکر و آرا می‌پردازند (مبارکشاهی، ۱۳۹۲: ۶). اندرسون می‌گوید که هویت ملی از طریق نمادها و افسانه‌ها و نقشه‌ها منتقل می‌شود. اگر وب‌سایت‌های کردی مورد تحلیل و مشاهده قرار گیرد نخستین یافته‌ای که ثبت می‌گردد نمادها و نشانه‌های کردستان، نقشه کردستان، پرچم و رنگ‌های ملی می‌باشد که در صفحات سایت برجسته شده است (مک‌نالی، ۲۰۰۵). عناوین تاریخی، فرهنگی، شخصیت‌های برجسته، افسانه‌ها، قهرمانان و مکان‌های ملی در اغلب سایت‌های کردی وجود دارد. این عناوین هم ضمن تحریک کاربران وب‌سایت‌ها برای شکل دادن موطن تاریخی خود، در راستای ترویج هویت خواهی قومی کردی نیز عمل می‌نمایند (سی‌اف. اندرسون، ۱۹۹۲).

براساس تحقیقی که توسط کاندان، مندرس و هانگر در رابطه هویت‌سازی آنلاین (مطالعه موردی کردها) صورت گرفته غالب یافته‌ها و محتوای آنلاین کردی روی چند محور متمرکز است:

۱-Guibernau

۲-Van Bruin Essen

۱- در اغلب سایت‌ها تاریخ مشترک کرد، جامعه و سیاست، ادبیات، مکان‌های تاریخی و شخصیت‌هایی به تفصیل بحث شده است. اطلاعات زمینه‌ای در مورد کشتارهای مختلف کرد(انفال، حلبچه در دهه ۱۹۸۰) به طور گسترده پوشش داده شده است.

۲- کاربران به تلویزیون و رادیوی کردی در بیش تر سایت‌های اینترنتی دسترسی دارند.

۳- غالب محتوای اینترنت برای تظاهرات، کمپین دادخواست و فعالیت‌های سیاسی/فرهنگی مانند سمینارها و کنسرت‌های طراحی شده در مورد علت مساله کردستان و کرد می‌تواند در جهان آنلاین و آفلاین یافت شود، جذاب هستند.

چنین روندی بدون تردید می‌تواند اثرات بسیاری بر جای گذارد که از جمله می‌توان به تضعیف برخی از آداب و رسوم و مناسک اخلاقی، رفتاری و خانوادگی تا فراهم آوردن نوعی ذهنیت مشترک "مای" کرد به عنوان اثرات احتمالی گسترش فضای مجازی اشاره نمود. در سنوات قبل شاهد ظهور بسیاری از سایت‌ها، وبلاگ‌ها و صفحات حقیقی و گروهی در شبکه‌های اجتماعی با موضوع و تمایلات قوم‌گرایانه کردی یا مرتبط با فرهنگ و تاریخ و اجتماع کردی بوده‌ایم. اگر پیش‌تر نوشتن با زبان و شیوه نگارش کردی امری نامانوس جلوه می‌کرد اینک تعداد وبلاگ‌ها و سایت‌های کرد زبان افزایش یافته است. رشد بی‌رویه و البته بدون نظارت و کنترل ناپذیر استفاده از امکانات فضای مجازی برای تقویت و تشویق خاص‌گرایی‌های قومی در کردستان بدون شک بر تضعیف پیوندهای کردها با نشانه‌های هویت ملی منجر شده است و در موارد متعدد در مطالعات مختلف که در رابطه با وضعیت هویت خواهی کردها انجام پذیرفته است، نتایج حاکی از اولویت هویت قومی در درجه نخست و حتی اولویت هویت فراملی بر هویت ملی نزد کردهای ساکن ایران است. این یافته‌ها، اهمیت و حساسیت توجه به فضاهای مجازی در مناطق مختلف در جامعه ایران را نشان می‌دهد.

منابع و مأخذ

۱. علوی، احمد (۱۳۹۰) پیش زمینه‌های جنبش‌های فعال شمال آفریقا، مجله چشم‌انداز ایران، شماره ۶۷.
۲. اشرف، احمد (۱۳۸۶)، بحران هویت ملی و قومی در ایران، مجموعه مقالات ایران: هویت، ملیت، قومیت: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

۳. احمدی، حمید(۱۳۷۸). قومیت و قوم گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران، نشرنی.
۴. صادق زاده، رقیه و منادی، مرتضی(۱۳۸۷). جایگاه نماد های هویت ملی در کتاب های درسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره متوسطه: رشته های علوم انسانی، نوآوری های آموزشی.
۵. ادیبی، مهدی و همکاران(۱۳۸۷). جهانی شدن فرهنگ با تاکید بر هویت اجتماعی جوانان اصفهان، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۵، سال نهم، شماره ۳.
۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، مسئله وحدت قومی و الگوی سیاست قومی در ایران، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳.
۷. حسین بر، محمد عثمان و عبدالمهدی، ناصر(۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ نسبت به هویت ملی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
۸. فکوهی، ناصر(۱۳۸۱)، « شکل گیری هویتی و الگو های محلی، ملی و جهانی»، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۴.
۹. مارک پاستر، عصر دوم رسانه ها، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: موسسه ایران ۱۳۷۷، ص ۳.
۱۰. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۵)، جلد اول، چاپ پنجم، ص ۱۵.
۱۱. قاسمی، وحید(۱۳۹۳)، تأثیر شبکه اجتماعی فیس بوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان (فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، ص ۱-۲۸).
۱۲. عیاری، آذرنوش(۱۳۸۴)، هویت قومی در اینترنت، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۳. رابرتسون، رولاند(۱۳۸۰) جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی تهران نشر ثالث.
۱۴. گل محمدی، احمد(۱۳۸۳) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، رساله دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران مرکز.
۱۶. نش، کیت(۱۳۸۰) جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران کویر.
۱۷. معیدفر، سعید و خلیلی اردکانی، محمد علی و ساعی، علی(۱۳۹۰) جهانی شدن و تاثیر آن بر هویت قومی و ملی، مطالعه کردهای سنندج، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، تابستان ۹۲، ص ۹۱-۱۱۲.
۱۸. مبارکشاهی، محمود(۱۳۹۲)، بررسی هویت طلبی در فضای مجازی(سایبر) نمونه موردی کردستان، فصلنامه زیربار، شماره ۸۳-۸۴.
۱۹. طالبی، ابوتراب و عیوضی، یاور، ۱۳۹۲، هویت طلبی قومی در فضای مجازی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶.